

دو رکن ضد کارگری طرح تحول اقتصادی، افزایش قیمت ها و حذف تعیین حداقل دستمزد کارگران

فرهاد شعبانی

جمعه بیستم دی ۱۳۸۷

روز سه شنبه ۱۰ام دی ماه لایحه پیشنهادی دولت احمدی نژاد در مورد "رها سازی قیمت ها و حذف یارانه ها" با قید یک فوریت به مجلس اسلامی داده شد. این لایحه که عنوان دیگر آن "هدم نکردن یارانه ها" و یا به عبارتی ساده تر "حذف یارانه هاست" دو عنصر ضد کارگری را در خود دارد که هدف این نوشته بررسی این دو عنصر ضد کارگری است.

در پاراگراف پایانی بند - د- این لایحه و قبل از آغاز ماده یک آن آمده است:

" بنابراین برای جلوگیری از اسراف و تبذیر در مصرف حامل های انرژی و اصلاح ساختار فعلی اقتصاد، اجرای طرح تحول اقتصادی بالاخص هدفمند کردن یارانه ها الزامی است".

و در بندهای الف، ب، ج ماده ۱ و تبصره ۱ ماده یک این لایحه چنین می خوانیم:

دولت مجاز است با رعایت موارد زیر قیمت حامل های انرژی را اصلاح کند:

الف) قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات متناسب با قیمت فوب خلیج فارس و شرایط اقتصادی کشور به گونه ای تعیین شود که حداکثر پس از سه سال از ابلاغ این قانون قیمت حامل های یاد شده کمتر از نود درصد از قیمت های فوب خلیج فارس با احتساب هزینه های مترتب (شامل حمل و نقل، توزیع و مالیات و عوارض قانونی) نباشد.

ب) قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به گونه ای تعیین شود که حداکثر ظرف ۳ سال از ابلاغ این قانون حداقل معادل ۷۵ درصد متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی شود.

ج) قیمت فروش داخلی برق به گونه ای تعیین شود که حداکثر ظرف ۳ سال از ابلاغ این قانون حداقل معادل قیمت تمام شده آن باشد.

در ماده ۳ و بند الف آن چنین آمده است:

ماده ۳- دولت مجاز است، با رعایت موارد زیر قیمت آب و کارمزد جمع آوری و دفع فاضلاب را تعیین کند:

الف) قیمت آب برای مصارف مختلف با توجه به کیفیت و نحوه استحصال آن در کشور به گونه ای تعیین شود که حداکثر ظرف ۳ سال از ابلاغ این قانون، حداقل معادل قیمت تمام شده آن باشد.

و بالاخره ماده ۴ و بند الف ماده ۵ این لایحه چنین فرمول بندی شده است:

ماده ۴- دولت مجاز است حداکثر ظرف ۳ سال، قیمت سایر کالاها و خدمات اساسی و همگانی غیر حاکمیتی را حداقل معادل قیمت تمام شده تعیین کند.

بندالف ماده ۵: کمک مستقیم و در قالب پرداخت نقدی و یا غیر نقدی یا واگذاری سهام از جمله سهام قابل عرضه در

بورس بر حسب اختیار به خانوارهای جامعه هدف.

این بخش از لایحه به افزایش قیمت‌ها مربوط است که به جزئیات و پیامدهای آن خواهیم پرداخت.

به زبانی ساده ترکیه مواد و بندهای فوق بیانگر حذف یارانه‌ها (سوبسید) دولتی به کالاهایی چون: بنزین، گازوئیل، نفت کوره، نفت سفید، برق، آب و فاضلاب و افزایش قیمت این کالاها طی یک پروسه ۳ ساله تا سطح قیمت کشورهای منطقه خلیج فارس و قیمت تمام شده در بازارهای جهانی است. در مقابل بجای سوبسید بر این اقلام قرار است توجه کنید "قرار است" دولت به خانواده‌های کم درآمد کمک‌های نقدی پرداخت کند.

افزایش بی‌رویه قیمت مشتقات نفتی، برق، آب و فاضل آب که به نوبه خود بر افزایش قیمت دیگر کالاهای مورد نیاز در جامعه تاثیر مستقیم خواهد داشت و مطابق منطق سرمایه‌داری نرخ تورم در اقتصاد بیمار و در حال رکود و متورم ایران را از این بالاتر افزایش می‌دهد. این در حالی است که طبقه کارگر ایران با دستمزد ۲۱۹۶۰۰ تومان در ماه سال ۱۳۸۷ قادر به تامین بار هزینه‌های سنگین زندگی نیست و بنا به آمارها بیش از ۷۰٪ طبقه کارگر ایران مطابق استانداردهای این جامعه زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

در مقابل حذف سوبسیدها همانطوریکه اشاره شد قرار است دولت به خانواده‌های کم درآمد کمک‌های نقدی پرداخت کند. مصوبه‌ای در باره میزان این کمک‌های نقدی وجود ندارد و مبلغ رسمی آن هنوز مشخص نیست، برخی از منابع دولتی مبلغ ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان را تبلیغ کرده‌اند، اما بانک مرکز ایران در پیش‌بینی ۲ سناریو برای قیمت هر بشکه نفت صادراتی ایران هم نرخ افزایش مشتقات نفتی و برق در بازارهای داخلی را پیش‌بینی کرده است و هم میزان پرداختی احتمالی دولت به خانواده‌های کم درآمد را.

بانک مرکزی پیش‌بینی کرده است در صورتیکه قیمت نفت در سطح ۳۵ دلار باقی بماند مبلغ پرداختی دولت به خانوارها مابین ۱۹ تا ۲۶ هزار تومان در ماه خواهد بود.

از طرفی دیگر بسیاری از کارشناسان اقتصادی و صاحب‌نظران مسائل سیاسی - اجتماعی بر این باورند که با توجه به کاهش قیمت نفت و کسری بودجه در سال آینده، دولت از عهده پرداخت کمک‌های مستقیم به خانوارهای کم درآمد بر نخواهد آمد و این جنبه از لایحه وعده‌ای بی‌اساس و در بهترین حالت همانند دیگر وعده‌های دولتهای تاکنونی رژیم جمهوری اسلامی یا بر فریب افکار عمومی استوار است و یا در کوتاه مدت مصرف انتخاباتی دارد.

از اینرو خانواده‌های کارگری و کم درآمد در ایران هم بار حذف سوبسیدها و عدم دریافت کمک‌های نقدی را باید همزمان بر دوش خود حمل کنند، تازه اگر فرض را بر این بگیریم که این مبلغ پرداخت شود ۲۶ هزار تومان یا ۵۰ هزار تومان چه پولی است که به آن امید بست؟

بنابراین براساس این لایحه و تصویب آن در مجلس اسلامی جامعه کارگری ایران بلحاظ اقتصادی سالهای بسیار سخت و دشوارتری را در پیش خواهد داشت بطوریکه درآمدها با هزینه‌ها نه تنها هیچ نسبتی نخواهند داشت، بلکه دامنه انسانی فقر و سیه‌روزی کارگران و مردم زحمتکش گسترده‌تر خواهد شد.

این تازه بخشی از لایحه بود. ماده ۱۳ این طرح حذف تعیین حداقل دستمزد کارگران را هدف گرفته است. یعنی با تصویب این لایحه افزایش ناچیز سالیانه حقوق کارگران حذف می‌شود. این موضوع یعنی رکن دوم ضد کارگری این لایحه در ماده ۱۳ طرح بطور روشن و بدون ابهام چنین فرمولبندی شده است:

ماده ۱۳- الزام افزایش حقوق کارکنان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه و مواد (۶۴) و تبصره آن و ماده (۱۲۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۴۱) قانون کار از زمان اجرای این قانون موقوف‌الاجرا خواهد شد و تمامی قوانین مغایر با این قانون از زمان ابلاغ، لغو می‌شود و سایر آئین‌نامه‌های اجرایی موردنیاز این قانون حداکثر پس از ۲ ماه، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت رفاه و تامین اجتماعی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت و راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید"

اما ابتداء ببینیم ماده ۴۱ قانون کار چه می‌گوید:

"شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

۱- حداقل مزد کارگران باتوجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.

۲- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد

باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین نماید"

تاریخاً افزایش دستمزد کارگران تحت حاکمیت و مدیریت اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران متناسب و همپا با رشد تورم افزایش نیافته و این قلمرو همواره یکی از اصلی ترین عرصه های کشمکش مابین طبقه کارگر از یک طرف و دولت و کارفرمایان از طرف دیگر بوده است.

فعلاً از این صرفنظر می‌کنم آیا شورای عالی کار بعنوان نماینده دولت و سرمایه داران صلاحیت تعیین حداقل دستمزد کارگران را دارد یا نه؟ تنها به این بسنده می‌کنم که سطح استاندارد زندگی کارگران طی ۳۰ سال گذشته دائماً تنزل کرده، بطوریکه اظهر المن شمس است که میلیونها کارگر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و هیچ کسی نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند و این خود نشان می‌دهد که این شورا در تعیین حداقل دستمزدها منافع سرمایه داران و دولت را بر افزایش دستمزد کارگران ارجحیت داده و در این تردیدی نیست، منتهی با تصویب این طرح پرداخت یارانه نقدی جای خود را به تعیین همین حداقل ناچیز سالانه دستمزد می‌دهد. به زبانی ساده تر افزایش دستمزدی براساس این ملاک های نامناسب و ضد کارگری در کار نیست.

در این رابطه محمد جهرمی وزیرکار می‌گوید:

"یکی از موارد طرح تحول اقتصادی که هنوز در مجلس تصویب نشده، شامل این پیشنهاد است که اگر تصویب شود، برای کارمندان و کارگران به جای تعیین حداقل دستمزد و افزایش سالانه دستمزد، همان یارانه مستقیم پرداختی توسط دولت حساب شود.»

هر دو موضوع را با هم بررسی کنیم.

از یک طرف با حذف سوبسیدها و به اعتراف خود طرح قیمت حامل ها و مشتقات نفتی طی ۳ سال آینده به قیمت کشورهای خلیج فارس و قیمت تمام شده در بازارهای بین المللی در بازار داخلی به فروش می‌رسد، که منطقیاً با خود افزایش قیمت حمل و نقل و مسافرت و کالاهای دیگر را بطورگسترده ائی به دنبال خواهد داشت و خانوارهای کارگری را از این بیشتر زمین گیر خواهد کرد و درصد تورم بطور افسارگسیخته به سمت قله های صعود میل خواهد کرد.

از طرفی دیگر شاهد بنام افزایش ناچیز دستمزدها که هر سال نه بر مبنای تورم سال در پیش بلکه بر مبنای تورم سالی که گذشت، نه به نسبت تورم واقعی بلکه بر مبنای ملاک نامناسب و آمار جعلی و بی اعتبار بانک مرکزی (آمارهائی که اساساً جهت فریب افکار عمومی آن بر صداقت و درستی اش ترجیح دارد، و تاکنون هیچ مرجع مستقلی چه در داخل و در آنسوی مرزهای ایران به اعتبار آمارهای دولت و بانک مرکزی مشروعیت نداده است) و نه با حضور نمایندگان کارگران و مطابق درخواست آنها بلکه با رای مستقیم نمایندگان دولت و کارفرمایان متشکل در شورای عالی کار تعیین می شود؛ نخواهیم بود و بجای آن کمک هزینه مستقیم دولت جانشین آن خواهد شد که پرداخت آن در هاله ائی از ابهام و ناروشنی است و البته در صورت پرداخت هم هیچ گوشه ائی از افزایش قیمت ها را پر نخواهد کرد.

در یک جمع بندی می توان گفت طبقه کارگر ایران با دولت و مجلسی درگیر است که با تصویب این لایحه شرایط زندگی را برای آنها دشوارتر و آنها را در مقابل انتخاب مبارزه برای زنده ماندن و یک زندگی انسانی یا فرورفتن در تیره روزی و فقری دهشتناک و مرگ تدریجی قرار می دهد.

پرسش اینجاست. چکار باید کرد؟

دو وظیفه همزمان بردوش کلیت جامعه کارگری ایران و پیشروان جنبش کارگری قرار می گیرد. جلوگیری از تصویب این طرح در مجلس و مبارزه برای افزایش دستمزدها با تعیین میزان آن توسط نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران رشته های گوناگون تولید و خدمات و نه شورای عالی کار. در بهترین حالت شورای عالی کار باید طرف مذاکره باشد.

به باور من بحران اقتصادی کنونی و تاثیراتش بر اقتصاد ایران، کاهش قیمت نفت و طرحهای دولتی مقابله با این بحران از جمله لایحه هدفمند کردن یارانه ها که بر زندگی توده های وسیعی از کارگران و اقشار کم درآمد جامعه ایران تاثیر مستقیم دارد می تواند زمینه مناسبی برای بسیج و کشاندن طبقه کارگر و اقشار کم درآمده جامعه به مبارزه ائی گسترده و سراسری علیه دولت و طرحهایش باشد. افزایش قیمتها و حذف افزایش دستمزدها در کنار سرکوب شدید جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی فعال شدیدترین و گسترده ترین حمله ائی است که دولت سرمایه داران حاکم بر این علیه طبقه کارگر سازمان داده است. مبارزه برای افزایش دستمزدها و مقابله با این طرح می تواند به گرانگاه یک حرکت سراسری و گامی اساسی برای زایش تشکلهای مستقل کارگری تبدیل شود. این مبارزه چند فاکتور مهم مبارزاتی را در خود دارد، وحدت طبقه کارگر حول یک خواست مشترک، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و دادن مشروعیت به هویت طبقاتی طبقه کارگر در بعد سراسری که حاصل مبارزه و خود آگاهی این طبقه خواهد بود.

نباید این مهم را فراموش کرد که طبقه کارگر در عین حال با حکومتی غیر مشروع در نزد توده های وسیع مردم، دارای تنش های درونی جناحها، درگیر یک بحران اقتصادی، دارای مشکل با جامعه بین المللی و محاصره شده بوسیله مبارزات روزمره کارگران، دانشجویان، زنان و مردم مبارز کردستان روبرو است، آیا این شرایط سیاسی - اقتصادی نمیتواند زمینه های بسیج طبقه کارگر و توده های وسیع مردم برای مقابله ائی گسترده را فراهم آورد؟ چرا می تواند.

فرهاد شعبانی - ۰۹ - ۰۱ - ۲۰۰۹